

فصل‌نامه علمی - تخصصی زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال پنجم، شماره دهم، تابستان ۱۴۰۱ (۳۹-۶۲)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/jmzf.2022.323530.1104

DOR: 20.1001.1.26453894.1401.5.10.1.3

## ردپای رویکرد زبانی سارا میلز در رمان «تصرف عدوانی» اثر آندرشون و رمان «ماه کامل می‌شود» اثر وفی

معصومه زارع کهن<sup>۱</sup>، آذر دانشگر<sup>۲</sup>

### چکیده

زبان مهم‌ترین وسیله ارتباطی میان انسان‌هاست و همواره موضوعی مورد توجه بوده است. گروهی از زبان‌شناسان، زبان را یک نظام و همچنین منتقدان فمینیستی، به‌ویژه فمینیست‌های پست‌مدرنی چون «سارا میلز» نظریاتی درباره ویژگی‌های زبانی در آثار زنان و تفاوت آن با آثار مردان بیان کرده‌اند و با بیان این مسئله که تفاوت جنسی، نژادی، طبقاتی و غیره در شیوه استفاده از زبان مؤثر است، به بررسی آن پرداخته‌اند. بحث زبان و جنسیت، در ادبیات داستانی حضوری پررنگ دارد؛ زیرا نویسنده برای اینکه بتواند از زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌های خود بهره‌مند شود، باید از ویژگی‌های زبانی منحصربه‌فرد زبان مردان و زنان استفاده کند. سارا میلز زبان جنسیت‌زده را در سه سطح واژگانی، نحوی و گفتمانی بررسی کرده است که هر یک از این سطوح زیرمجموعه‌هایی دارند که به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. جستار حاضر به روش تحلیلی- تطبیقی به دنبال واکاوی هویتی زنانه در سطح واژگانی، نحوی و گفتمانی در دو رمان «تصرف عدوانی» اثر «لنا آندرشون» و رمان «ماه کامل می‌شود» اثر فریبا وفی بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز است. دستاورد پژوهش نشان داد که زبان شخصیت‌ها به‌شدت تحت تأثیر جنسیت نویسنده قرار دارد و نویسندگان توانسته‌اند زبانی متناسب با جنسیت شخصیت در رمان ایجاد کنند که نشان‌دهنده زبان زنانه در جامعه است.

**واژه‌های کلیدی:** زبان، جنسیت، زنان، رمان، لنا آندرشون، فریبا وفی.

- 
۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.  
masoume.zare1980@gmail.com
  ۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول).  
a.daneshgar2015@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۸

## ۱. مقدمه

همراه با رشد و گسترش شاخه‌های زبان‌شناسی، زبان‌شناسان با داشتن مدارک و شواهد کافی به این نکته تأکید می‌کنند که شیوه استفاده زنان و مردان از زبان متفاوت است و هر جنس اصطلاحات، واژه‌ها و حتی اشکال نحوی خاص خود را دارند. این مطالعه - که از موضوعات قابل توجه زبان‌شناسان است - در سال ۱۹۶۰ بر اساس پژوهش‌های لباو (labov) (۱۹۷۲) در آمریکا و پیتتر ترادگیل (Tradgill) (۱۹۸۰) در انگلستان شکل گرفت.

بی‌گمان یکی از عوامل مورد توجه به مسئله زبان و جنسیت و نابرابری‌هایی که در این زمینه بین مردان و زنان وجود دارد، ظهور و قدرت‌گیری جنبش فمینیسم در این سال‌هاست. همچنان که ویرجینیا وولف (Virginia Woolf) (۱۹۵۷) با نوشتن کتاب «اتاقی از آن خود» یکی از بنیان‌گذاران نقد فمینیستی است که به دنیای مردسالارانه حمله می‌کند و خواستار استقلال فکری زنان است. او برای اولین بار زبان زنان را به کار برده است.

سارا میلز (Sara Mills) در سی‌ام ژانویه ۱۹۵۴ میلادی در انگلستان متولد شد. وی استاد برجسته زبان‌شناسی در دانشگاه هالام شفلید انگلستان است. میلز در حوزه ادبیات با توجه به علایق زبان‌شناسی خود به تحقیق و بررسی پرداخته است؛ او آرای «هلیدی» و «رقیه حسن»، «فوکو» و بسیاری دیگر را به‌خوبی کرده است و کتاب‌ها و مقالات بسیاری در حوزه گفتمان، برای تحلیل و بررسی بیشتر متون ادبی منتشر کرده است. از دیگر فعالیت‌های اصلی وی کار در حوزه فمینیسم زبانی است. کتاب «سبک‌شناسی فمینیستی» وی گویای این مطلب است. او در بسیاری از کارهای خود به ادبیات جنسیت‌زده اشاره کرده است و بیشترین آوازه وی در این حوزه پژوهشی است. در کتاب «سبک‌شناسی فمینیستی» با آگاهی، ترکیبی از ادبیات و زبان‌شناسی

را از دیدگاه فمینیستی بررسی کرده است. میلز با مطالعه هر دو متون ادبی و غیرادبی، روزنامه‌ها، آهنگ‌های پاپ و تبلیغات، مسائلی مانند تبعیض جنسیتی و غیره را برجسته می‌سازد. او جنسیت را در متن بررسی کرده است و از مهم‌ترین مباحث این کتاب محسوب می‌شود.

میلز متون ادبی را در سه سطح کلمه، عبارت و گفتمان می‌کند. او آگاه است که بررسی هر زبانی، تنها در سطح لغوی کافی نیست؛ زیرا کلمات بدون اینکه در متن بیابند، معنایی ندارند و به همین دلیل است که تنها به بررسی واژگان در سطح لغوی اکتفا نکرده است و به تجزیه و تحلیل کلمات در مقیاس بزرگ‌تر، مانند جمله می‌پردازد.

#### ۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

در تحقیق پیش رو نویسندگان به روش تحلیلی - تطبیقی به مطالعه الگوواره‌های نقد فمینیستی در رمان «تصرف عدوانی» اثر لونا آندرشون و رمان «ماه کامل می‌شود» اثر فریبا وفی بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز می‌پردازند تا با بررسی آثار دو نویسنده متفاوت از لحاظ جغرافیایی به این پاسخ برسند که واژگان چه مفهومی از هویت زنانه را بازتاب می‌دهد؟ صدای زنانه در متن چگونه بازتاب داده شده است؟ برخورد با مردان و زنان در متن چگونه است؟ آیا عبارات‌ها و جملات به کاررفته در متن متأثر از جنسیت نویسنده است؟ آیا زنان داستان بیشتر هستند یا مردان؟ آیا ساختارهای بزرگ‌تری در متن وجود دارد که به نظر برسد متن وابسته به جنسیت است؟ راوی چه کسی است؟ متن بر چه کسی تأکید می‌کند؟ زاویه دید چگونه است؟ متن بر منافع چه کسی تأکید می‌کند؟ چه افعال، عناصر یا اجزایی با زنان ارتباط دارد؟ میلز بر این باور است با مطرح کردن این پرسش‌ها، یک روش نظام‌مند برای تحلیل زبانی به وجود می‌آید.

## ۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

سعی پژوهش حاضر ابتدا واکاوی تئوری‌های نقد گفتمانی و سپس بررسی بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز و در ادامه بررسی رمان‌های بلقیس سلیمانی و لنا آندرشون به صورت تحلیلی - تطبیقی است که مؤلفه‌های آن شامل موارد زیر است:

- بررسی دیدگاه‌های فمینیستی و نظریه زبان و نوشتار زنانه

- بررسی و تحلیل رویکردهای آثار زنانه‌نویس

- تحلیل در سطح واژگانی

- تحلیل در سطح جملات

- تأکید بر تحلیل بر اساس گفتمان زنان

## ۳-۱. پیشینه تحقیق

برخی از بررسی‌های انجام‌شده در قالب پایا نامه و مقاله که به بررسی و تحلیل گفتمان زنانه و فمینیستی پرداخته‌اند، شامل موارد زیر است:

- سید علی سراج و همکاران در مقاله «تحلیل متغیر جنسیت در گفتمان غالب نویسندگان زن ایرانی بر اساس الگوهای زبانی سارا میلز (مطالعه موردی): رمان‌های عادت می‌کنیم، انگار گفته بودی لیلی، پرنده من» (۱۳۹۶) به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که آیا اساساً زبان زنانه وجود دارد یا نه؟

- خوش‌قدم، مشتاق مهر و علیزاده در مقاله «نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر» (۱۳۹۶)، مجله ادبیات پارسی معاصر، معتقد هستند که نشانه‌های سبک زنانه را باید در حوزه گفتمان و شیوه‌های روایت جست‌وجو کرد.

- روحانی، ملک در مقاله «بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تشبیه و استعاره در شعر زنان شاعر معاصر» (۱۳۹۲)، مجله زبان و ادبیات فارسی، دو رکن اصلی تشبیه و استعاره را از لحاظ جنسیت‌گرایی در شعر زنان شاعر بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که به علت وجود تفاوت‌های آشکار میان زنان و مردان از لحاظ پایگاه اجتماعی

و تفاوت‌های زیست‌شناختی، زنان شاعر به شکل برجسته‌ای از تشبیهات و استعارات مربوط به جنس خود استفاده کرده‌اند. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در موضوع مقاله حاضر تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و از این نظر دارای نوآوری است.

## ۲. بحث و یافته‌های تحقیق

### ۲-۱. نقد فمینیستی

فمینیسم جنبشی سازمان‌یافته است برای دستیابی به حقوق برابر زنان در مقابل حقوق مردان و هدف از آن صرفاً تحقق برابری اجتماعی زنان نیست؛ بلکه رؤیای رفع تبعیض و ستم نژادی و طبقاتی و غیره را در سر می‌پروراند.

«نقد فمینیستی نوعی عرض‌اندام جدی در مقابل نهاد ادبیات است» (هام و همکار، ۱۳۸۲: ۲۷). نقد فمینیستی، عبارت است از هر نقدی که به بررسی تاریخ زن توجه نشان می‌دهد و بر تفاوت زن با قالب‌های سنتی‌ای که برای دور کردن او از صحنه و به حاشیه بردن نقش او در ابداع و خلاقیت ایجادشده تأکید دارد (رک: روباتام، ۱۳۸۵: ۶۵). این نقد با دنبال کردن تولیدات ادبی زنان، درباره ویژگی‌های زیباشناختی، ساختاری و زبانی بحث می‌کند (سعدالله، ۲۰۰۸: ۳۲). «منظور از نقد فمینیستی یا همان نقد زن‌محور، تنها پرداختن به شورش زنان علیه مردان» (طلایی و همکار، ۱۳۹۷: ۴۳۹) یا خشم و خشونت آشکار در زندگی زنان حاکی از نظام مردسالار است که برساخته فرهنگی جوامع است. «نقد فمینیستی، به نقد مسائل زنان در معنای گسترده آن در متون ادبی نظر دارد و به نقش زنان در فرهنگ و جامعه و چرایی تزییع حقوق زنان توجه می‌کند» (حسینی، ۱۳۸۴: ۸۸).

نقد فمینیستی می‌کوشد تا نشان دهد که جامعه مردسالار بر چه سازوکارهایی استوار است و چه سازوکارهایی از آن محافظت می‌کند و هدف نهایی آن دگرگون ساختن مناسبات اجتماعی است. فمینیست‌ها به این دلیل از این کنش دگرگون‌کننده

دفاع می‌کنند و معتقد هستند جامعه مردسالار به نفع مردان عمل می‌کند و منافع مردان را برتر از دیگران قرار می‌دهد. نتیجه منطقی چنین اعتقادی این تصور است که جامعه مردسالار بر زنان ستم روا می‌دارد (رک: مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۸۷).

پاینده بر این باور است که «نقد فمینیستی را می‌توان چالشی علیه نقد فرمالیستی دانست. هم فرمالیست‌های روس و هم منتقدان نو دهه ۱۹۳۰ م در آمریکا طرفدار عینیت‌مبنایی در نقد ادبی بودند و تأکید می‌ورزیدند که متن را باید غیرشخصی تلقی کرد. فمینیست‌ها برعکس در پی اعتراض به نحوه شخصیت زن در آثار ادبی هستند و چون اثر را بازنمود شخصی نویسنده می‌دانند، پدیدآورندگان آثار مردسالارانه را به باد انتقاد می‌گیرند» (پاینده، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴).

## ۲-۲. زبان جنسیت زده

از میان گونه‌های مختلف زبانی، بیشترین توجه زبان‌شناسان و مردم‌شناسان به گونه جنس معطوف بوده است؛ به همین دلیل تمییز جنسی یکی از اندیشه‌های اساسی در بسیاری از مکتب‌ها و جنبش‌ها، از جمله فمینیسم است. آنان بر این باور هستند که جنس به جنبه زیستی هویت زنان و مردان اشاره دارد؛ درحالی‌که جنسیت ساخت اجتماعی - فرهنگی است. جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره می‌کند؛ جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. به عبارتی دیگر، جنس، مشخصه‌ای زیستی و تغییرناپذیر است که از بدو تولد بر بدن تحمیل می‌شود؛ اما زنانگی، مردانگی، رفتارها، هنجارها و ملاک‌های آن‌ها از جنسیت سرچشمه می‌گیرد (پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۱۵۸-۱۵۷).

از آنجاکه از طریق زبان نگرش ما به دنیای اطرافمان ساخته می‌شود و با توجه به این‌که نوعی رابطه سلسله‌مراتبی میان واژه‌های زبان به لحاظ جنسیت وجود دارد. در فرهنگ کلی اجتماع یک جنس می‌تواند موقعیت و قدرت بالاتری در مقایسه با جنس دیگر پیدا کند (شریفی مقدم و بردبار، ۱۳۸۹: ۱۳۱). نظریه پردازان فمینیست بر این باور

هستند که متون بر اساس جنسیت نویسنده متفاوت است و جنسیت در متون تأثیرگذار است. نویسندگان زن بر آن هستند که ادبیات مردان، کلیشه‌های سنتی را تقویت می‌کند و در آثارشان تصویر جهانی مردسالار را نمایان می‌کنند. در ادبیات مردسالار، زنان را وابسته و قربانی جلوه می‌دهند؛ درحالی‌که مردان مشکل‌گشا و عاشق‌پیشه‌اند (رک: گرت، ۱۳۸۲: ۴۲)

سراج دیدگاه شوالتر را در این باره بیان می‌کند: نویسندگان فمینیست بر این نکته تأکید می‌کنند که به دلیل اینکه زنان امتیازات خاص و بیولوژیکی و تجربه‌های خاص زنانه شامل همدمی، هم‌فکری، عاطفه، احساس و قدرت مشاهده دارند، معنی‌ای خاص از تجربه زنانه به خواننده نشان می‌دهند که ادبیات مردانه قادر به توصیف و بیان آن نیست. ویرجینا وولف، این ویژگی را خصیصه ارزشمند دید زنانه می‌داند. بر مبنای این دیدگاه، نویسندگان فمینیست معتقد هستند که باید ادبیات تازه‌ای بر اساس تجربیات زنان شکل بگیرد و تفسیر شود. آنان تلاش می‌کنند تا به ادبیات زنانه دست یابند. ادبیاتی که در آن زنان و روایت از طرف زنان و زنانه تولید شود که منجر به پدید آمدن واژگان تازه با بسامدهای متفاوت، لحن و شیوه بیان، ساختار تازه در داستان با شخصیت‌پردازی و زاویه دید و روایتی جدید می‌شود (رک: سراج، ۱۳۹۴: ۱۵).

## ۲-۳. روش تحلیل در آثار زنان بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز

در این مقاله - همان‌طور که اشاره شده است - تلاش می‌شود، تحلیل زبان‌شناختی آثار داستانی زنان بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز، در سه سطح واژه‌ها، تحلیل جملات و گفتمان بررسی شود.

## ۲-۳-۱. در سطح واژگان

در این سطح زبانی آنچه مورد توجه است، کاربرد واژگان، اسامی، صفات و اقلام واژگانی است که بیانگر حالات و عواطف زنان است.

## الف) استفاده از زبان معیار و زبان عامیانه

به نظر زبان‌شناسان اجتماعی، از آنجاکه در بیشتر جوامع از زنان در مقایسه با مردان رفتار اجتماعی صحیح‌تر و مناسب‌تری انتظار می‌رود، رفتار زبانی آنان نیز نه تنها با مردان متفاوت است؛ بلکه به‌طور کلی از نظر اجتماعی شکل‌های بهتر یا صحیح‌تری دارند. شاید سبب این امر فشارهای اجتماعی - فرهنگی است که در جامعه‌ای بر روی زنان بیشتر است. همین امر آنان را نسبت به رفتار زبانی خود و کاربرد ویژگی‌های زبانی معتبر حساس‌تر می‌کند (رک: نوشین‌فر، ۱۳۸۱: ۱۸۶)

زنان بیشتر به شکل‌های مؤدبانه‌تر زبان گرایش دارند و این تمایل در مردان کمتر دیده می‌شود. شاید این به معنای خرده‌فرهنگی و اقلیت بودن زنان در عرصه فرهنگ رسمی است که سبب می‌شود، جنس دوم اولاً از سنت‌شکنی در کلام استاندارد بگریزد و ثانیاً به توصیف امور رضایت دهد و به بیان روابط علیه آن نپردازد. این در حالی است که بالا بودن طبقه اجتماعی زنان به‌ویژه در پایگاه نویسندگی بازهم تغییری در این وضع ایجاد نمی‌کند و همان رفتار استانداردگرا و توصیفی در نوشتار زنان هم چنان مشاهده می‌شود؛ اما مردان، به‌ویژه هنگام سخنرانی یا نوشتن متن به شکل غیراستاندارد کلام و نیز تبیین چندوچون گفتاری امور تمایل بیشتری را به منصفه ظهور می‌رسانند (رک: محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۷۷).

## ب) استفاده از واژه‌های پُرسامد زنان

زنان در داستان‌هایشان به استفاده از واژگانی چون آشپزخانه، وسایل خانه، آرایش و وسایل آن، روزمرگی‌های خود - که شامل آشپزی، خرید، نگهداری از کودک و غیره است - بیشتر از مردان تمایل نشان می‌دهند.



### ج) کاربرد صفت‌ها

بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز و بررسی‌های انجام‌شده زنان تمایل بیشتری در استفاده از صفات دارند و جزئی‌نگری زنان کاربرد صفات را در جملات پررنگ‌تر کرده است.

### د) کلام مشارکتی و رقابتی

هدف زنان در مکالمه برقراری و حفظ ارتباط، یکسان‌سازی تجارب، نشان دادن حمایت (من هم همین احساس را دارم)، تداوم محاوره (امروز را چگونه گذرانید) پاسخ‌دهی و تفاهم (تکان دادن سر در پاسخ به صحبت فردی دیگر)، شیوه فردی، عینی و ملموس و محتاطانه و با تردید است؛ درحالی‌که هدف مردان اعمال کنترل، حفظ استقلال، افزایش اعتبار، نشان دادن دانش یا مهارت، اجتناب از افشای اطلاعات شخصی که حاکی از آسیب‌پذیری فرد است، برتری در مکالمه (قطع مکالمه، مدت‌زمان بیشتری صحبت کردن)، پاسخ‌دهی کمتر (آهان)، شیوه انتزاعی‌تر، محکم، قطعی و آمرانه است (رک: همان: ۱۵۹)

### ه) دشواژه‌ها و کلام خشن

در زبان‌شناسی عامیانه مشاهده‌شده است که زبان گویشوران مرد حاوی واژه‌های خشن و زشت است. «لیکاف نیز مدعی است که در زبان انگلیسی، مردان بیش از زنان از اصطلاحات زشت استفاده می‌کنند. او معتقد است زنان از عبارات خشن، بی‌ادبانه و دور از نزاکت استفاده نمی‌کنند. آن‌ها متخصصان استفاده از حُسن بیان هستند» (فارسیان، ۱۳۷۸: ۲۷).

### و) رنگ واژه‌ها

لیکاف ادعا می‌کند که عموماً زنان رنگ واژه‌هایی مانند قهوه‌ای روشن، بنفش کم‌رنگ و صفاتی مانند قابل ستایش، فریبنده را استفاده می‌کنند - که به‌ندرت مردان از آن استفاده می‌کنند. همچنین گفته‌شده است که زنان برای تأثیر قطعی و بیشتر

سخنشان بر روی واژه‌ها تأکید می‌کنند: واژه‌هایی مانند خیلی خوب، دوست‌داشتنی و غیره (Alibakhshi&Ghafarsamar. 2008: 60)

### ۲-۳-۲. در سطح تحلیل جملات

در سطح جملات باید به این نکته اشاره کرد که واژه در چه جمله‌ای به کاررفته است و در سطح هم‌نشینی با چه کلماتی همسانی ایجاد می‌کند.

#### الف) جملات توصیفی

از ویژگی‌های نوشتار زنانه جزئی‌نگری است که در پی آن استفاده از توصیف‌های فراوان است. توصیف از ویژگی‌های سبک رئالیستی است که از جملات ساده و کوتاه استفاده می‌شود.

#### ب) حدیث نفس

حدیث نفس‌گویی در نوشتار زنانه ناشی از نداشتن رضایت از خود، دل‌مشغولی‌ها و وسواس فکری است که اغلب زنان با آن درگیر هستند که بازتاب آن را در نوشته‌های زنان می‌توان دید.

### ۲-۳-۳. در سطح گفتمان

«گفتمان همچون هر اصطلاح دیگری، درعین حال عمدتاً توسط آنچه که نیست و آنچه در تقابل با آن قرار دارد، تعریف می‌شود؛ ازاین‌رو گفتمان اغلب از طریق تفاوتی که با مجموعه‌ای از اصطلاحات مثل متن، جمله و ایدئولوژی دارد، تشخیص می‌یابد، هریک از این اصطلاحات مخالف، حد و حدودی معنای گفتمان را تعیین می‌کند» (میلز، ۱۳۹۶: ۸). گفتمان را نباید با متن اشتباه گرفت. گفتمان مجموعه عناصر، لوازم و شرایطی است که اگر گرد هم آیند متن را به وجود می‌آورند؛ بنابراین متن حاصل و نتیجه گفتمان است.

## ۲-۴. بررسی مؤلفه‌های گفتمانی سارا میلز در رمان‌های «تصرف عدوانی» و «ماه کامل می‌شود»

### ۲-۴-۱. رمان تصرف عدوانی

استر زنی نویسنده و پژوهشگر ادبی و فرهنگی است که زندگی ساده‌ای دارد و بسیار مراقب است وارد هیچ رابطه‌ای نشود؛ اما بعد از این که پیشنهاد یک سخنرانی به او می‌شود تا درباره فردی فرهیخته به نام هوگو صحبت کند، در همان جلسه عاشق هوگو می‌شود. مرد آرمانی استر وارد داستان می‌شود و زندگی او را دست‌خوش تغییرات اساسی می‌کند؛ اما استر با تنش‌های فراوان در انتهای رمان، سرشکسته و تنها با عشقی که به تصرف دیگری درآمده است، باقی می‌ماند.

### الف) استفاده از زبان معیار و زبان عامیانه

زنان طبق نظریه میلز تمایل بیشتری به استفاده از زبان معیار دارند و فقط در محاورات از زبان عامیانه بهره می‌برند. زبان «استر» شخصیت محوری زن داستان در گفت‌وگوهای خود با «هوگو» مردی که عاشقش شده بسیار مؤدبانه است. در شب سخنرانی استر درباره هوگو، استر تمایل داشت وقت بیشتری با هوگو بگذراند؛ اما باید می‌رفت. هوگو گفت: شاید وقتی دیگر ...

استر برای پنهان کردن احساساتش، آهسته گفت: «هر وقت برایت مناسب باشد.»

هوگو گفت: «یک روز بیا کارگاه من، دی‌وی‌دی‌هایی را که پیدا نکرده‌ای بگیر.»

استر با صدای آهسته‌تری گفت: «هر وقت بخواهم بیایم، خبر می‌دهم» (آندرشون،

۱۳۹۸: ۷).

### ب) واژه‌های پُرسامد زنان

زنان در داستان‌هایشان به استفاده از واژگانی مانند آشپزخانه، وسایل خانه، آرایش و وسایل آن، انواع لباس، روزمرگی‌های خود - که شامل آشپزی، خرید، نگهداری از کودک و غیره است - بیشتر از مردان تمایل نشان می‌دهند.

- «کاپشن پر» (همان: ۱۲)

- «سس را ریخت روی فیله مرغ و آن را گذاشت توی فر» (همان: ۴۸)

- «پس از شام نشستند روی مبل جلو تلویزیون» (همان: ۴۹)

(ج) واژه‌های عاطفی (دعا، نفرین، قسم)

موردی یافت نشد.

(د) کاربرد صفت

- «سخنرانی او را ستود و گفت خوب است.» (همان: ۷)

- «باید طبعی فوق‌العاده لطیف و ملایم داشته باشد.» (همان: ۶)

(ه) کلام مشارکتی و رقابتی

۱. میزان کلام

«هوگو بسته را باز کرد و عنوان کتاب را خواند: «می، یک عشق» نوشته یان میردال؛ و پرسید: «خوب است؟» استر گفت: «عالی است». هوگو پشت جلد کتاب را خواند. گفت: میردال مهم است. اندیشمند مهمی است» (همان: ۳۴).  
طبق نظریه میلز مردان بیشتر از زنان صحبت می‌کنند.

۲. قطع کلام

وقتی استر برای اولین بار به کارگاه هوگو رفت با مردی از دوستان هوگو روبه‌رو شد و هم‌کلام شدند؛ از استر پرسید: «شنیده‌ام شاعری ...» استر گفت: «آره» دراگان پرسید: «شعرهایت ترجمه‌شده؟» استر گفت: «آره ... نه زیاد ... ترجمه شدن معیار چیزی نیست». دراگان پرید وسط حرفش و پرسید: «هدف از شعر گفتن چیست؟» استر گفت: «می‌خواهم دیگران هم آنچه را دیده‌ام ببینند». دراگان دیگر حرفی نزد (همان: ۱۱).

میلز معتقد است قطع کلام در یک گفت‌وگو بیشتر از سوی مردان صورت می‌گیرد.

### ۳. تصدیق گرها (پاسخ کوتاه)

زنان از پاسخ کوتاه و حرکات بدن برای رد یا پذیرش سخنی بیشتر بهره می‌گیرند. هوگو گفت: «تو باز هم می‌نشینی فلسفه‌بافی می‌کنی؟» استر گفت: «آره» (آندرشون، ۱۳۹۸: ۶۱). پرسید: «دلت برایم تنگ شده؟» پرسشی بود بی‌محتوا؛ بازی کسی که در تنگنا است ... استر گفت: «آره ... زیاد» (همان: ۶۶). استر گفت: «وقتی تکیه داده بودی به پیشخوان بار تو آشپزخانه ...» هوگو گفت: «حتماً ... شاید آره ...» استر گفت: «با این وسایل مدرن، گاهی از این اتفاق‌ها می‌افتد.» هوگو گفت: «آره ... همین‌طور ست.» (همان: ۹۹)

### ۴. دشواژه‌ها و کلام خشن

در ترجمهٔ رمان تصرف عدوانی دشواژه‌ای یافت نشد.

### ۵. رنگ واژه‌ها

زنان از واژه‌های رنگ‌دار - که شامل واژه‌هایی است که احساسات را بیان می‌کند، مانند غم و شادی و ... و همچنین استفاده از رنگ‌ها در نوشته‌های خود بیشتر بهره می‌برند.

«پس از چند شب، تمایلشان را به دیدار یکدیگر از دست دادند؛ اما به روی هم نیاوردند. بی‌حرف و مؤدبانه، با توافق کامل، تصمیم گرفتند تنها شام بخورند. پاریس پر از بو بود: بوی گردوخاک، شیرینی خامه‌ای، دود و عطر ... استر روزهایی پیاپی راه می‌رفت. قدم می‌زد و پیوسته الهام می‌گرفت و تأثیر می‌پذیرفت. با این همه می‌دانست این سفر بیهوده است. میله‌های فولادی ظریف و باریک سبز تیره بین پیاده‌رو و خیابان و رفتگران با لباس سبز روشن که خیابان‌ها را پاکیزه نگه می‌داشتند و از مشخصه‌های پاریس بودند به نظرش جالب می‌رسیدند» (همان).

## ۲-۴-۱-۱. بررسی سطح نحوی (تحلیل جمله‌ها)

### الف) جملات توصیفی

بیان جزئیات و جزئی‌نگری در قالب جمله‌های توصیفی در آثار زنان مشهود است. - «بعد از ظهر مطبوعی بود. هوا فقط در ماه مه می‌تواند این‌طور باشد. باد زیر چتر آفتابی می‌وزید و پارچه آن با لختی تکان می‌خورد. آفتاب که به چمن می‌تابید، گرم و داغ بود، اما از پنجره گشوده می‌تابید، گرم و حتی داغ بود، اما وقتی از پنجره گشوده می‌تابید، طراوت‌بخش می‌شد. هوا برای کسانی که می‌خواستند بیرون کافه بنشینند، به اندازه کافی دلپذیر بود؛ اما استر ترجیح می‌داد توی کافه کتاب بخواند و قهوه بنوشد.» (همان: ۱۱۱)

### ب) حدیث نفس

سارا میلز در نظریات خود بیان می‌کند، واگویه‌های ذهنی (حدیث نفس) در زنان بیشتر است.

- «استر یک‌ریز با خودش و با هر کس که حاضر بود به حرف‌های او گوش بدهد، دربارهٔ اتفاقی که افتاده بود، حرف می‌زد. این که عاشق نباید خشمگین شود، برایش ناشناخته بود. نمی‌توانست تصور کند که فقط یک کج‌خلقی برای خراب کردن همه چیز کافی بوده است.» (همان: ۲۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پایه جامع علوم انسانی

## ۲-۴-۱-۲. بررسی سطح گفتمانی

### الف) شخصیت

سارا میلز معتقد است شخصیت اصلی رمان‌های زنان نویسنده بیشتر زن هستند. شخصیت اصلی رمان «تصرف عدوانی» زنی است شاعر و مقاله‌نویس به نام استر نیلسون. زنی است که به قول نویسنده رمان «از روزی که دریافت زبان و ایده‌ها مشغله و کار او خواهند بود. زندگی پرهزینه را کنار گذاشت: غذای ارزان می‌خورد، حواسش بود باردار نشود، ارزان سفر می‌کرد، هیچ‌گاه از بانکی وام نمی‌گرفت یا از کسی پول

قرض نمی‌کرد و هرگز خود را در وضعیت‌هایی قرار نمی‌داد که ناچار شود وقتش را صرف چیز دیگری جز خواندن، اندیشیدن، نوشتن و گفت‌وگو با دیگران کند.» (همان:

۳)

### ب) درون‌مایه

درون‌مایه بیشتر رمان‌های زنان نویسنده مشکلات و دغدغه‌های زنان است. درون‌مایه رمان مذکور بازگوکننده زندگی زنانی است که تعالی و جاودانگی خود را از مردی آرمانی می‌جویند که آن‌هم محقق نمی‌شود و زن رمان را به سرگردانی در دنیای درون و بیرون و همچنین بازاندیشی افکار خود در گذشته وادار می‌کند.

### ج) فضا و صحنه

فضا و صحنه‌هایی که در رمان‌های زنان دیده می‌شود، برای بازنمایی دغدغه‌های زنان به یاری نویسنده می‌آیند.

فضای نارضایتی در صحنه کافه:

«هوگو قهوه‌اش را نوشید و از جا بلند شد ایستاد و گفت: من باید بروم. استر به نشان رضایت، سرش را تکان داد. ظاهراً هوگو به شکلی مبهم احساس گناه می‌کرد. استر آن را از نوع سستی حرکات سر، ابروهای درهم‌کشیده، نگرانی در چشمان و طرز ایستادنش فهمید. هوگو گفت: تو باز هم می‌نشینی فلسفه‌بافی می‌کنی؟ استر گفت: آره یک کم می‌نشینم فلسفه می‌بافم.» (همان: ۶۱)

### د) زاویه دید

زاویه دید سوم شخص و اول‌شخص در رمان‌های زنان نویسنده، یکی به‌عنوان ناظر بیرونی و دیگری ناظر درونی در پیشبرد داستان و بیان مشکلات و دغدغه‌های زنان کمک‌کننده هستند.

زاویه دید در رمان «تصرف عدوانی» سوم شخص و از نوع دانای کل محدود است. نویسنده از همه وقایع آگاه است و به‌نوعی روایتگری داستان را بر عهده دارد. «آدمی

بود به نام استر نیلسون، شاعر و مقاله‌نویس بود و تا سی‌ویک‌سالگی، هشت رساله کوتاه منتشر کرده بود. عده‌ای این رساله‌ها را لجوجانه و سرکشانه می‌دانستند، عده‌ای دیگر بازیگوشانه و سبک‌سرانه؛ اما بیشتر مردم هرگز نام نویسنده آن‌ها را نشنیده بودند.» (همان: ۲)

## ۲-۴-۲. رمان «ماه کامل می‌شود»

### ۲-۴-۲.۱. خلاصه رمان

بهاره دختری است که به همراه برادرش برای یافتن دنیای آرزوهای خود از شهرستان به تهران می‌آیند؛ اما چیزی نصیبشان نمی‌شود. بهاره مانند عروسک خیمه‌شب‌بازی در دست دوستان خود است. به او می‌گویند چه کند، کجا برود و ... دوستانش بهاره را برای دیدار و آشنایی با مردی عازم ترکیه می‌کنند تا نیمه گمشده خود را بیابد. او پس از آشنایی با بهنام دچار تردید و دودلی است بین ماندن و برگشتن.

### ۲-۴-۲.۲. بررسی سطح واژگانی

#### الف) استفاده از زبان معیار و زبان عامیانه

##### زبان معیار:

«سفر ما را جای تازه نمی‌برد. جای قبلی را برایمان تازه می‌کند. بعد از سفر می‌فهمی خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنی، نور کافی ندارد، اشیا خوب چیده نشده‌اند، زیاد چفت هم‌اند، پرده‌ها بدرنگ‌اند.» (وفی، ۱۳۹۷: ۱)

##### زبان عامیانه:

«سعی کن اقلاً یک چیزی گیرت بیاد خواهر» (همان: ۱)

#### ب) واژه‌های پُرسامد زنان

- «پرده‌ها بدرنگ‌اند» (همان: ۱)



- «ابروهای نازک و خوش حالتی داشت. ماتیک آلبالویی خوش‌رنگی می‌زد و ناخن‌هایی به همین رنگ داشت. یوگا می‌کرد.» (همان: ۱۶)

### ج) واژه‌های عاطفی (دعا، نفرین، قسم)

موردی یافت نشد.

### د) کاربرد صفت

به دلیل توصیف‌های فراوان و جزئی‌نگری‌های نویسنده کاربرد صفت نیز فراوان است.  
- «آرام اما کامل» (همان: ۵)

- «دل‌آور عصبی بود. با آدم عصبی هم نباید بحث کرد.» (همان)

### هـ) کلام مشارکتی و مراقبتی

#### ۱. میزان کلام

مکالمهٔ دوست عزیز و فرزانه

«دوست عزیز از کارش دست کشید. حالا کی هست این استاد خان؟ فرزانه با تأکید گفت: استاد خانه. بعد هم گفت فکر می‌کرد استاد خانی مرد تارک دنیا و ریاضت‌کشی باشد؛ اما استاد یک آقای خوش تیپ بود. شبیه یکی از هنرپیشه‌های خوش‌هیكل دههٔ شصت. دوست عزیز مثل مرد دل‌چرکینی اخم کرد و کجکی نگاهش کرد. تو حتی نمی‌توانی بگویی کی هست این استاد خان. صدایش یک مرتبه بلند و خشن شد. معبود است؟ مراد است؟ پیر است؟ رفتار تند فرزانه را نمی‌رنجاند. سمج‌ترش می‌کرد. نه مراد است، نه معبود نه پیر. آدم باسواد است. دنیا پر است از باسوادهای بی‌شعور.» (همان: ۹)

## ۲. قطع کلام

مکالمه بین بهنام و بهاره:

بهنام گفت: «الان جای خوبی هستم. دارد به هم خوش می‌گذرد. می‌خواهی بیایم دنبالت؟ داشتیم می‌خوابیدم. چرا هیچ‌چیز از من نمی‌پرسی؟ صدایش نرم بود. خودت همه را می‌گویی. ساکت شد. راست می‌گویی. خیلی وراجی کردم امروز. منظورم این نبود. مایوس شد انگار. می‌دانم. برو بخواب. شب‌خوش.» (همان: ۹۴)

## ۳. تصدیق‌گرها (پاسخ کوتاه)

- «رفیقت وارد صنعت معنویات شده. تو چکاره‌ای؟ هیچ‌کاره» (همان: ۱۰)  
- «اوه انرژی منفی نده! من تحت تأثیر هیچ‌کس نیستم. فقط خدم احساس می‌کنم. گندیده‌ام. دماغش را گرفت. آره، آره. بویت هم بلند شده.» (همان: ۲۰)

## ۴. دشواژه‌ها (کلام خشن)

- «من خر را باش که این چیزها را به تو می‌گویم.» (همان: ۲۸)  
- «هنوز نرفته‌ای گه گیجه گرفته‌ام.» (همان: ۶۴)

## ۵. رنگ واژه‌ها

- «انگشتر فیروزه در پوست سفیدش جلوه داشت.» (همان: ۳۵)  
- «سرخ شدم.» (همان: ۵۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۴-۲-۳. بررسی در سطح جملات

## الف) جملات توصیفی

«بیرون یکی از کافه‌ها نشستیم. آفتاب رفته و نرفته بود و نور و گرمای مطبوعش فضای عصر را دلپذیر کرده بود. صدای خواننده ترک از توی کافه می‌آمد. مردی پشت لاله‌های پارک روبه‌رو خوابش برده بود. چتر سیاهی بالای سرش گرفته بود. معلوم نبود نگران آفتاب است یا بارانی که ساعتی پیش باریده بود. محیط اطرافم به‌سرعت عادی شده بود.» (همان: ۷۱)

### ب) حدیث نفس

- «با خودم گفتم ببین اینجا، جای دیگری است. سبزی علف‌ها پُرنگ‌تر است. نگاه کن حتی گاوها هم فرق می‌کنند. گاوهای ما ساده‌اند و این‌همه خط‌و‌خال ندارند.» (همان: ۱۲)

- «باید می‌پرسیدم چرا این فکر را می‌کند؛ اما چیزی نگفتم.» (همان: ۲۸)

### ۴-۲-۴. بررسی سطح گفتمانی

#### الف) شخصیت

شخصیت اصلی داستان دختری به نام بهاره است که با برادرش بهادر در تهران زندگی می‌کند. شخصیتی متزلزل دارد، نمی‌تواند درست فکر کند، درست تصمیم بگیرد، متکی به دیگران است. تحت تأثیر حرف‌های دیگران است. بیشترین شخصیت‌های به‌کاررفته در رمان زن هستند.

#### ب) درون‌مایه

درون‌مایه این رمان بازگوکننده زندگی دختران است که تعالی و جاودانگی خود را در مردی آرمانی می‌جویند و به دنبال این آرزوی محال دچار آشفتگی و سردرگمی می‌شوند و هیچ‌گاه نمی‌توانند تصمیم درست بگیرند.

#### ج) فضا و صحنه

فضای ناخشنودی در صحنه آشپزخانه:

«کف آشپزخانه همه‌جا پر از لکه بود. صندلی خودم را از زیر میز کشیدم بیرون. نشستم و نگاه کردم به میز که رویش جای سوزن انداختن نبود. بعد هم دستمالی را که گوشه‌اش سوخته بود، برداشتم و پرت کردم توی سطل آشغال. بهادر فهمید هوا پس است بی سر و صدا از آشپزخانه زد بیرون.» (همان: ۳)

فضای استرس و دلهره در صحنه دفتر کار دوست عزیز:

«سالن شبیه اندرونی خانه‌های قدیمی بود. مناسب نشستن و لم دادن بود نه ایستادن و راه رفتن. سقفش کوتاه بود. قبل از اینکه حرف بزنم، پرسید چای می‌خورم یا نه. از کیفیت عالی صدایش حیرت کردم، تازه و رسا بود.

به سرعت به آن شیخ خاموش شخصیت داد. استکان روی میز را برداشت و مثل یک آبدارچی بیزار از زندگی دور شد. انگار عمد داشت کفش‌هایش را روی زمین بکشد. وقتی برگشت نشست. چای بدرنگی را گذاشت روی میز. مال خودش توی دستش ماند.

کاسه چراغ روی میز را به طرفتم چرخاند. حرکتش اندازه‌هایم را به هم‌ریخت. کوچکم کرد. سکوت سنگین شد و نگاهش از آن‌هم سنگین‌تر.» (همان: ۶)

### ۵) زاویه دید

زاویه دید داستان اول‌شخص است و به صورت من - ما روایتی بیان شده است. «خودم هم انتظار نداشتم لذت ببرم. از لذت همان تصویری را داشتم که آن‌ها داشتند. انگار جای مشخصی بود من فقط باید می‌رفتم و برمی‌داشتم.» (همان: ۲)

### ۳. نتیجه‌گیری

بررسی‌ها در دو رمان مذکور و تطبیق آن‌ها بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات سارا میلز که در سه سطح واژگانی شامل استفاده از زبان معیار و عامیانه، واژه‌های پربسامد زنان، واژه‌های عاطفی و کاربرد صفت و کلام مشارکتی و رقابتی (میزان گفت‌وگو، استفاده از تصدیق‌گرها، استفاده از دشواژه‌ها و کلمات خشن و رنگ واژه‌ها) و در سطح بررسی جملات: جملات توصیفی و حدیث نفس و در سطح گفتمانی رمان‌ها که شخصیت، درون‌مایه، فضا و صحنه و زاویه دید را در برمی‌گیرد، نشان می‌دهد که در هر دو رمان برحسب موقعیت مکانی متفاوت نویسندگان زن رمان‌ها دو شخصیت

محوری زن داستان «استر» در «استکهلم» و «بهاره» در تهران؛ هر دو از زبانی زنانه استفاده کرده‌اند که زبان استر به زبان معیار و زبان بهاره به زبان عامیانه نزدیک‌تر است. به علت محافظه‌کار بودن زبان زنان، زنان داستان از زبانی غیر معتبر کمتر بهره می‌گیرند. استفاده از واژه‌های پُربسامد زنان در رمان‌ها وجود دارد؛ اما استفاده از واژه‌های عاطفی که شامل دعا، نفرین و قسم است، در دو رمان مشاهده نشد. کاربرد صفت با توجه به توصیف‌های داستانی مورد توجه بود.

زبان مشارکتی و رقابتی در زبان زنان هر دو رمان هویدا است. زنان داستان در آغاز کردن گفت‌وگو پیش‌قدم هستند و معمولاً پایان‌دهنده گفت‌وگو نیستند و با پاسخ‌دهی و تداوم در محاوره مدت بیشتری را برای گفت‌وگو ایجاد می‌کنند. تصدیق‌گرها در ادامه گفت‌وگو بسیار کمک‌کننده بودند؛ رنگ واژه‌ها و توصیف‌هایی بر پایه ذکر رنگ‌ها نیز به زبان زنان هویت می‌دهد و آن را از زبان مردان متمایز می‌کند. صدای زنان در هر دو رمان بسیار شنیده می‌شود. یکی از عوامل مهم در شنیده شدن صدای زنان، نویسندگان زن هر دو رمان است که در بازگو کردن روایتی زنانه تلاش می‌کنند. بررسی در سطح جملات که واکاوی جملات توصیفی و حدیث نفس است. در سطح دو رمان نشان داد که نویسندگان از هر سه مورد ذکرشده در نوشتار خود استفاده کرده‌اند. در هر دو رمان تعداد شخصیت زن داستان بیشتر از مردان است و فضاهای دلخوری و نارضایتی در برخوردها و گفت‌وگوها در صحنه‌های خانه، محل کار، سفر و غیره نشان داد که استر و بهاره که به دنبال کمال و آرمان‌گرایی هستند، در روابطشان با شکست مواجه می‌شوند که سرخوردگی درونی آن‌ها را افزایش می‌دهد. زاویه دید در رمان «تصرف عدوانی» سوم شخص و از نوع دانای کل محدود است. زاویه دید در رمان «ماه کامل می‌شود» ابتدا چند سطر اولیۀ رمان سوم شخص است؛ سپس زاویه دید داستان اول شخص می‌شود. تلاش متن برای بی‌طرف نشان دادن منافع متن بر زن یا مرد است؛ اما وقتی شخصیت‌های محوری داستان‌ها زن

هستند و مخاطب با خواندن رمان‌ها با شخصیت اصلی درگیر می‌شود، نشان می‌دهد که متن دنبال حق‌خواهی زن داستان است و متن بر منافع زن تأکید می‌کند.



## کتاب‌شناسی

### کتاب‌ها

۱. آندرشون، لنا (۱۳۹۸)، *تصرف عدوانی*، ترجمه سعید مقدم، تهران: مرکز.
۲. پاینده، حسین (۱۳۹۰)، *گفتمان نقد*، تهران: نیلوفر.
۳. پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱)، *فردستی و فرودستی در زبان*، تهران: گام نو.
۴. روباتام، شیلا (۱۳۸۵)، «*زنان در تکاپو (فمینیسم واکنش اجتماعی)*»، ترجمه حشمت‌الله صباغی، تهران: شیرازه.
۵. سراج، سید علی (۱۳۹۴)، *گفتمان زنانه (روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی)*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۶. سعدالله، محمد سالم (۲۰۰۸)، *ماورالنص، دراسات فی النقد المعرفی المعاصر*، سلسله النقد المعرفی ۴، اردب-الاردن عالم الکتب الحدیث.
۷. گرت، استفانی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتایون بقایی، تهران: مرکز.
۸. فارسیان، محمدرضا (۱۳۷۸)، *جنسیت در واژگان*، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۹. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸)، *جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی*، تهران: گل‌آذین.
۱۰. مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴)، *دانشنامه نظریه ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
۱۱. هام، مگی، سارا، گمبل (۱۳۸۲)، *فمینیسم و دانش‌های فمینیستی*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۲. میلز، سارا (۱۳۹۶)، *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، تهران: بیدگل.
۱۳. وفی، فریبا (۱۳۹۷)، *ماه کامل می‌شود*، تهران: مرکز.

## مقاله‌ها

۱. حسینی، مریم (۱۳۸۴)، «روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه»، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۹، صص ۹۴-۱۰۱.
۲. شریفی مقدم، آزاده؛ بردبار، آناهیتا (۱۳۸۹)، «تمایز گونگی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی»، فصلنامه علوم انسانی زبان پژوهی، ش ۳ / سال ۳، صص ۱۲۵-.
۳. طلایی، مولود؛ طلایی، مهرناز (۱۳۹۷)، «بررسی رویکردهای چهارگانه نقد فمینیستی الن شوالتر در رمان نقره دختر دریای کابل اثر حمیرا قادری»، مجله پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۳ / ش ۲، صص ۳۳-۴۶.
۴. نوشینفر، ویدا (۱۳۸۱)، «زبان و جنسیت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، ش ۲، صص ۱۸۱-۱۸۸.

## لاتین

Ghafarsamar,R.Alibakhshi.G(2007), The gender linked differences in the use of linguistic strategies in face-to-face communication. Linguistics journal,3,59-7.